

مصر مهم ترین کشور دنیای قدیم

رویدادهای مهم تاریخی

مسیحیت

از سقوط امپراتوری عثمانی تا امروز

گروه‌های تاریخی
زیر نظر محسن میرزایی

کشاورزی در مصر قدیم

کشت و جو وارزن و کتند و اهلی کردن گاو، گوسفند و بز، از دورترین زمان‌های که از آن آگاهی داریم در مصر بین‌النهرین معمول بوده است. این گیاهان و حیوانات به حالت وحشی خود هرگز در مصر دیده نمی‌شوند بلکه در زمین‌های آسیای باختری به ویژه بین‌النهرین و عربستان قدیم یافت می‌شده‌اند. این عناصر اصلی تمدن یعنی کشت دانه اهلی کردن حیوانات، از زمانی که از آن هیچ گونه سندی در دست نداریم، در آسیای غربی و عربستان پیدا شده، از آنجا به سرزمین بین‌النهرین و مصر انتقال یافته است. این همان چیزی است که به نام نظریه «مثلث تمدن و فرهنگ» معروف شده است.

آنچه بیش از این احتمال و امکان دارد آن است که پاره‌های ویژه‌ای از تمدن مصری از سومر و بابل سرچشمه گرفته باشد. این را می‌دانیم که ارتباطات بازرگانی میان بین‌النهرین و مصر وجود داشته باشد برای این ارتباط و انتقال کالا از نهرهایی که پیش از این از سرزمین مصر در دریای سرخ می‌ریخته نیز استفاده می‌شده است. یک نظر به نقشه جغرافیا به زودی آشکار می‌سازد که چرا مصر در طول تاریخ شناخته شده خوش پیش از آنکه به آفریقا منسوب باشد جزو آسیای باختری به شمار می‌آمده است.

تجارت و مبادلات فرهنگی به آسانی میان بین‌النهرین و مصر امکان پذیر بود در حالی که در قسمت باختر مصر سرحد و در قسمت جنوب ایشارهای نیل مانع ارتباط طبیعی آن کشور با سایر نقاط آفریقا بوده است.

همگونی زبان مصر با زبان ملت‌های قدیم خاور میانه
هرچه در مطالعه و تحقیق زبان مصری قدیم پیش‌تر می‌رویم پیوند میان زبان مصر و زبان‌های سامی خاور میانه بیشتر آشکار می‌شود. چنان‌که به نظر می‌رسد که خط نویسی تصویری مصر از «سومر» به آن سرزمین رسیده باشد.

مهر استوانه شکل که اصل آن بدان شکل از بین‌النهرین است در قدیم‌ترین دوره‌ها در تاریخ مصر ظاهر می‌شود پس از آن از بین می‌رود.

از چرخ کوزه‌گری پیش از سلسله چهارم در مصر خبری نیست، در صورتی که چرخ کوزه‌گری مدتها پیش از آن در سومر معروف بوده است. البته ممکن است این دستگاه با راه چرخ راه در یک زمان از بین‌النهرین به مصر منتقل یافته باشد. ظاهراً صناعت در آسیای باختری ایجاد شده و از آنجا به مصر منتقل گردیده است.

تختین مهندسی معماری مصر به مهندسی بین‌النهرین شباهت دارد. این تختین برای مصر نیست که پیشی تمدن را در سومر اعتراف کند چه ریشه‌ها و عناصری که نیل از دجله و فرات گرفته، هرچه باشد ریشه‌ها و تفرقی کرده و پاشد و تمدن خاص و خالص مصری از آن بیرون آمده است که بدون شک ترقی‌مندی‌ترین و بلند

آوازه‌ترین و نیرومندترین فرهنگ تمدن شناخته شده در تاریخ است. تمدن مصری زیبایی و لطف خاصی دارد که فرهنگ و تمدن خام و ابتدایی سومر با آن قابل مقایسه نیست و حتی تمدن یونان و روم نیز از آن تجاوز نمی‌کند. آنچه خوانندگنظرات و عقاید محقق بزرگ معاصر «ویل دورانت» بود. در حالی که دانشمند تاریخدان دیگری به نام «الیت سمیت» که از تاریخدان‌های بزرگ عصر ماست عقیده دیگری دارد.

«الیت سمیت» می‌گوید: «اگرچه گندم و جو و ارزن به صورت وحشی و طبیعی در سرزمین مصر یافت می‌شود اما لابلای در دست است که کشت این گیاهان در مصر زودتر از هر جای دیگر صورت گرفته است، وی عقیده دارد که تمدن و کشاورزی به صورت کلی از مصر به سومر انتقال یافته است.

همچنین دانشمند دیگری به نام برستد، که بزرگ‌ترین مصر شناس آمریکایی است بر قدمت تمدن سومری بر تمدن مصر عقیده ندارد. به نظر وی، قدمت چرخ ارابه در مصر، اگر از سومر بیشتر باشد کم‌تر از آن نیست. «به هر تقدیر در مورد اینکه کدام یک از تمدن‌های قدیم قدمت بیشتری دارند اهل تحقیق اختلاف است و همان طوری که در آغاز این گزارش است نوشتیم گروهی از دانشمندان بر اساس اکتشافات جدید شواهد جدیدی در قدمت تمدن آریایی بر سایر ملل خاور میانه هستند. لذا در چنین مباحثی قطعیت یک امر زمانی مسلم است که اکثر دانشمندان بر اساس آخرین تحقیقات باستان‌شناسی آن را تأیید کنند.

مصریان باستان از کجا آمدند؟

«ویل دورانت» در مورد مصریان باستانی می‌نویسد: «هیچ کسی نداند که این مصریان قدیم از کجا به این سرزمین آمده‌اند. پاره‌ای از دانشمندان به این نظر تمایل دارند که مردم قدیم مصر از اختلاط مردم «نوبه»، «میش» و «لیسی»، از یک طرف و مهاجران سامی یا ارمنی از سوی دیگر پیدا شده‌اند و باید بدین‌که حتی در آن زمان دور هم نزاد پاک و خالصی بر روی زمین وجود نداشته است. احتمال دارد که این مهاجران میان‌رکن آسیای غربی تمدن و فرهنگ عالی تری را با خود به مصر آورده باشند و از آبیترش آنان با بومیان نیرومند، نسل دور که ای پیدا شده باشد و چنانکه در همه تمدن‌ها هم بر این است، برای مصر نیز دوره تمدن جدیدی آغاز شده باشد. این آمیزش که به طور تدریجی صورت می‌گرفت، چنان بود که از آن در میان سال‌های ۴۰۰۰ تا ۳۰۰۰ پیش از میلاد، ملت واحدی پیدا شد و مصر تاریخ را به وجود آورد. تمدن مصریان قدیم پیش از آنکه به این مرحله برسد، در میانه

راه شکار و کشاورزی بوده و تازه به جای ادوات سنگی، وسایل فلزی را به کار می‌بردند. مصری‌های اولیه برای خود کرمی می‌ساختند و گندم آرد می‌کردند و با الیاف کتان پارچه و فرش می‌ساختند، خود را با زاپروالات می‌آراستند و مواد معطر خوشبو می‌ساختند. از ریش تراشید و اهلی کردن حیوانات آگاه بودند و نقاشی کردن به ویژه ساختن تصویر جانورانی را که شکار می‌کردند دوست می‌داشتند، بر ساخته‌های سفالی ساده خود زنان نوحه‌ساز و صورت‌های دیگر از انسان و اشکال هندسی رسم می‌کردند. مصریان اولیه حجاران قابلی بودند و دلیل آن هم قلم‌های حجاری یافت شده در «جبل الازاک» است. همین مردم نوشته‌های تصویری و مهرهای استوانه‌ای شیشه‌ای به مهرهای سومری داشته‌اند.

مصر در ۶۰۰۰ سال پیش

پیش از فرارسیدن سال ۴۰۰۰ قبل میلاد مسیح، یعنی ۶ هزار سال پیش از این قلمرو «نیل» نوعی حکومت وجود داشت که به چندین قلمرو تقسیم می‌شد و در هر قلمرو مردم آن از یک تخمه بودند و از یک رئیس فرمان می‌بردند و معبود خاصی را



نمونه‌ای از خط تصویری (هیروگلیف) در مصر باستان برگرفته از کتاب:

EGYPTIAN MYTHOLOGY SIMON GOODENOUGH

می‌پرستیدند و شعائر و آداب دینی خاصی داشتند.

پیشرفت تجارت و خرج‌های سنگین جنگ‌ها موجب آن شد که از این حکومت‌ها جزء دو مملکت، یکی در شمال و دیگری در جنوب تأسیس شود.

تختین شخصیت مصری یک دانشمند است

«تختین شخصیت تاریخی مصر که یقین داریم روزی زمین زیسته است، شاه پایک کتور گشتنایش بلکه هنرمند و دانشمندی است که مشاوری شاه مصر بوده و ۵۱۵۰ سال پیش می‌زیسته است. نام او «امیوچو» است. او یک طبیب و یک معمار برجسته است. این شخص به اندازه‌ای به علم طب مصری خدمت کرد که به عنوان خالق علم و هنر مصر مورد پرستش است و چنان‌که به نظر می‌رسد که مکتب معماری مصر به وسیله او تأسیس شده باشد و از همین مکتب سازندگان بزرگ سلسله بعد بیرون آمده‌اند. بنابر روایات مصری تختین خانه سنگی به سرستی وی ساخته شد و هم اوست که نقشه کهن‌ترین بنای مصری یعنی اهرام را کشیده است.»

اهرام، برای چه ساخته شد؟

«شک نیست که منظور مصریان از ساختن اهرام ایجاد یک اثر هنری نبوده است. اهرام مصر در حقیقت گورهای بوده است که رفته رفته تحول یافته و به این شکل درآمده است. پادشاهان قدیم مصر مانند مردم مصر قدیم اعتقاد داشتند که در هر جسم زنده‌ای «همراه» او وجود دارد و هم‌راه هر کس را «کا» می‌نامیده‌اند.

مصریان قدیم معتقد بودند که آدمی در آن هنگام که آخرین نفس را می‌کشد و از این دنیا می‌رود هم‌راهش نمی‌میرد.

مصریان قدیم اعتقاد داشتند که هر اندازه جسم مرده بیشتر بماند و بهتر به آن خوراک برسانند و از پوسیدن و فاسد شدن محفوظ بمانند هم‌راه او به همان اندازه زنده می‌ماند. لذا شاهان بر اساس این عقیده برای خود آرامگاه‌هایی ساخته‌اند هم‌راهشان زنده بمانند و چون هم‌راه هر کس به عنوان صورت کوچک جسد آدمی تصور می‌شد ناچار می‌بایست به او خوراک و پوشاک داده شود و به همین جهت است که در بعضی از گورها مستراح‌هایی ساخته‌اند تا مورد استفاده «کا» یعنی روح جدا شده از بدن یا هم‌راه شخص مرده قرار گیرد. در پاره‌ای از نوشته‌های مربوط به مردگان در مورد زندگی پس از مرگ اظهار نگارنی کرده‌اند که: «میراد» آدمی به خوراک نیازمند شود و یا بر اثر نبودن غذا ناچار به خوردن مدفوع خود باشد.

به طور طبیعی چنان‌که هر کس در آنجا دفن مصریان قدیم تنبیه شود و بخواهند به آغاز آن برسند ناچار باید چنان سلاح‌ها و افزار کار مرد جنگی را با خود او به خاک سپارند و زنان و بندگان مرد را نیز با او در گور کنند که بعد از مرگ به خدمت وی مشغول باشند و چون در عملی کردن این کارها مشکلاتی وجود داشته مصریان تصویرها و مجسمه‌های کوچک از زنان و غلامان و ملزومات دیگری می‌ساختند و در حقیقت به صورت بدل آنها در گور می‌گذاشتند و این اشیاء بدلی جای واقعی‌تر را می‌گرفت و بازماندگان شخص مرده می‌توانستند مزارع حاصلخیز و گاوگان قره و خدمتگزاران فراوان و کارگران چایک را با خرج بسیار کم در اختیار مردگان بگذارند.

لذا پس از آنکه نزد مصریان قدیم تصویر به جای اصل پذیرفته شد، هنرمندان مصری آثار بسیار زیبایی از خود در گورها به یادگار گذاشتند.

در یکی از گورها تصویر مزرعه‌ای دیده می‌شود که در حال شخم‌زدن آن هستند و در گور دیگر منظره درو کردن محصول نقاشی شده است و در گور دیگری صحنه یختن نان و در قبر دیگری منظره کشتن گاو و یا گوشه‌پخته‌ای را که در ظرف میهمان‌ها گذاشته می‌شود به تصویر کشیده‌اند. در مقبره یکی از شاهزادگان مصری نقش برجسته‌ای هست که شاهزاده را در حالی نشان می‌دهد که پشت میزی نشسته و خوراکی‌های گوناگون در برابر وی قرار دارد.

مصری‌ها بر اساس اعتقاد به زندگی هم‌راه آدمی پس از مرگ، مرده را در تابوتی از سنگ می‌گذاشتند و برای مومیایی کردن آن متحمل رنج فراوان می‌شدند و به اندازه‌ای در این کار پیش‌رفته بودند که هنوز تازه‌هایی از مویا تکه‌هایی از گوشت چسبیده به استخوان، در مومیایی‌ها دیده می‌شود.

عصر ملوک الطوائفی در مصر قدیم

«صحر سرزمینی به اندازه مصر شاه نداشته است. تاریخ این پادشاهان را به صورت سلسله‌هایی در آورده است که شاهان یک سلسله همه از یک تخمه و تبار یا یک خانواده‌اند. یکی از فرعون‌های قدیم به نام هسپس دوم، ۹۴ سال سلطنت کرد و این طولانی‌ترین دوره سلطنت در تاریخ است. پس از مرگ وی مملکت دچار هرج و مرج شده و اشراف و مالکین هر یک مستقل به حکمرانی پرداختند.

این یکی از نمونه‌های تاریخ است که به صورت منظمی تکرار می‌شود. گویی چنان است که مردم زمانی آزادی بیش از اندازه‌ای را دوست دارند و زمانی دیگر به انضباط سخت میل می‌کنند. بعد از یک دوره طولانی که چهارصد سال طول کشید مردی قوی‌الاراده ظاهر شد و با اراده آهنین خود کارها را به جریان عادی خود بازگردانید. این مرد «اسمحت اول» نام دارد و بنیانگذار سلسله دوازدهم پادشاهان مصر است.

در زمان سلطنت این شاه فطعل، نظم و ترتیبی برقرار شد که ۵۰۰ سال دوام کرد. ثروت عمومی افزایش یافت، هنر ترقی کرد. ریشه خانجانی خشک شد. فرماندهان بخش‌های مملکت کسانی بودند که از طرف شاه مأمور می‌شدند و از شاه حقوق می‌گرفتند.

سیزده سال پس از مرگ او بدویان آسیایی مصر را مورد هجوم قرار دادند و شهرها را سوزاندند و معابر را ویران کردند و این گروه با عنوان «شاهان چوبیان» مدت دو قرن بر مصر فرمانروایی کردند. سرانجام مصریان این فرمانروایان غاصب را بیرون کردند و سلسله هجدهم شاهان مصر تأسیس شد.

ادامه دارد



یکرعه عظیم (ابوالهول) یا (سفنیکس) (Sphinx) که در «جزیره» (مصر)، در نزدیکی هرم خفرع، از صخره‌ای طبیعی تراشیده شده است. بدن آن شبیه بدن شیر و سرش مانند سر انسان است. ارتفاع یکرعه ۱۷ متر، طول آن ۳۹ متر، ارتفاع سرش ۵ متر و اندازه گوشش ۱۲۷ متر است. ابوالهول در اساطیر مصر قدیم، جانوری منظره فرعون، یا منظره «دع» خدای بزرگ اوقات بوده است. این جانور اساطیری تنها خاص مصریان نبوده، بلکه در اساطیر همه ملل باستانی خاور میانه و یونان، به صورت‌ها و شکل‌های مختلف وجود داشته است. در اساطیر یونان، سفینیکس، هیولایی بالدار بوده است که بر سنگی نزدیک دروازه «تیب» مقر داشت، از عبوران معمای مراحل سه گانه عبر انسانی را می‌پرسید: (ان چیست صعب بر چهار پا، نظر بر دو پا و مصر بر سه پا راه می‌رود؟) و چون آنان را جواب گفتن نمی‌توانستند، هیولا آنان را پاره می‌کرد. اما در اساطیر مصر، ابوالهول موجودی نیکوکار و حامی نیکان و دشمن ستکاران است.

برگرفته از کتاب:
ANCIENT AND
MODERN EGYPT
ISABELLA BREGA